

# اسلام‌گرایی در جمهوری آذربایجان؛ ماهیت و چشم‌اندازها

رحمت‌الله‌فلاح<sup>۱</sup>

## چکیده

ظهور و گسترش نیروهای اسلام‌گرای یکی از واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی عصر حاضر است. بی‌شک مسلمانان فارغ از جغرافیای زیستشان، در تکاپوی هویت‌طلبی سیاسی بر مبنای نظام اعتقادی و معنایی خویش هستند و در این راه بر حسب مقدرات و محذورات محیطی، سطحی از مقاومت را با نیروهای مخالف خویش به نمایش می‌گذارند؛ در نهایت با وجود تنگناهای محیطی (شامل عوامل و شرایط)، جنبش‌های اسلامی در سطوح مختلف ظهور و بروز می‌یابند. البته تحلیل این شرایط بدون توجه به عنصر الهام‌بخشی انقلاب اسلامی ایران بسیار سخت و حتی غیر ممکن است. رفتار توده‌های اسلام‌گرای جمهوری آذربایجان هم از این قاعده مستثنی نیست آنها هر چند در دوره تکاملی خویش برای تبدیل به یک جنبش رسمی هستند و در این راه فرصت‌ها و محدودیت‌های جدی هم دارند ولی روندها بیانگر این است که این حرکت در زمان نه چندان دور به جایگاه معینی از تأثیرگذاری سیاسی-اجتماعی خواهد رسید.

۱. کارشناس مسائل اوراسیا-ترکیه



جمهوری آذربایجان بعد از سپری کردن تجربه کوتاه مدت استقلال در ۱۹۱۸ توسط محمدامین رسول زاده، هفتاد سال تحت سلطه حاکمیت کمونیست‌های روس بود تا اینکه بعد از فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ استقلال خود را به دست آورد. این جمهوری با ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع وسعت از نظر ژئوپلتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک (دارای منابع غنی نفت و گاز) از مهم‌ترین کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز محسوب می‌شود. جمعیت آن بالغ بر ۹ میلیون نفر است که بیش از ۹۱ درصدشان ترک‌های آذری هستند.<sup>۱</sup> مسلمانان ۹۶ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند که از این تعداد ۷۵-۷۰ درصد شیعه و بقیه سنی مذهب‌اند. دین اسلام محوری‌ترین عنصر هویتی ملت آذربایجان است. با اینکه آذربایجانی‌ها هفتاد سال در حاکمیت الحادی روس‌ها با رویه‌های مختلف همانندسازی مواجه شدند، همواره بر مسلمان بودن خویش تأکید داشته و دست کم در رفتارهای اجتماعی پایبندی خویش را نشان داده‌اند.<sup>۲</sup> رشد مساجد از ۱۶ باب در سال ۱۹۷۶ به ۲۰۰ باب در سال ۱۹۹۱ و ۱۸۰۰ باب در سال ۲۰۱۰، یکی از شاخص‌های معتبر در ارزیابی جایگاه اسلام در جامعه آذربایجان است. با این حال، جریان‌های اسلام‌گرا در جمهوری آذربایجان هنوز در بستری طبیعی و منطقی شکل نگرفته‌اند و همواره با محیط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی خویش درگیرند.<sup>۳</sup> جریان‌های اسلامی جمهوری آذربایجان (سنی یا شیعه) هنوز نتوانسته‌اند الگویی از مناسبات سیاسی را به نمایش گذارند که در آن ارزش‌های اسلامی با اولویت‌های ملی هماهنگی یابد. به همین علت بسیاری از ناظران داخلی و خارجی جریان‌های اسلامی آذربایجان را پدیده‌ای خارج از فضای هویتی آذربایجان تفسیر می‌کنند. در حالی که واقعیت قضیه این نیست. برای نمونه، جریان‌های اسلامی سنی مذهب آذربایجان، با اینکه در ظاهر چهره سلفی‌های وهابیت به خود گرفته‌اند، در عمل رادیکالیسم را پیشه کرده‌اند و بخشی از آنها دست به اقدامات تروریستی به عنوان راهبرد مبارزاتی و حتی فعالیت سیاسی می‌زنند. این رویکرد نه تنها به انزوای عمومی آنها انجامیده است، بلکه



1. <http://www.azstat.org/statinfo/demographic/en/001.shtm1H1-5>

۲. بر اساس یک نظرسنجی، ۴ تا ۶ درصد جمعیت آذربایجان «معتقدان فعال» نامیده می‌شوند. این تعداد از مقررات و آداب اسلامی اطاعت می‌کنند. ۹۲-۸۷ درصد، خود را مسلمان می‌دانند و به رفتار اسلامی احترام می‌گذارند. تنها ۳ درصد خود را کمونیست (کافر) نامیده‌اند. محسن خلیلی و ابراهیم مجیدی، «رشد هویت اسلامی - شیعی در جمهوری آذربایجان»، شیعه‌شناسی، س ۷، ش ۲۶، تابستان ۱۳۸۸، ص ۳۷.

۳. برای اطلاعات بیشتر رک: رحمت‌الله فلاح، «محیط سیاسی جریان‌های اسلام‌گرای شیعی در جمهوری آذربایجان»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، بهار ۱۳۹۰، ش ۴۵.

مفهوم اسلام سیاسی بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلام به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. بنابراین اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به حساب آورد که گرد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است

«مردم آذربایجان» آن را در تضاد با مبانی معرفتی خویش از دین اسلام یافته‌اند. البته علل این گونه رویکرد در محیط سیاسی جریان‌های اسلامی سنی قابل درک است، ولی این مقاله درصدد تحلیل محیط سیاسی جریان‌های اسلام‌گرای شیعی است؛ از این رو، از ورود به آن خودداری می‌کند.

در مقاله حاضر ضمن نگاه کلی به مفاهیم اسلام‌گرایی، به تاریخچه ورود اسلام و

گونه‌شناسی جریان‌های اسلام‌گرای جمهوری آذربایجان اشاره و سپس به عوامل تقویت و تضعیف‌کننده اسلام‌گرایی شیعی و روندهای موجود پرداخته خواهد شد.

## مفهوم و ماهیت اسلام‌گرایی

بی‌تردید یکی از تحولات عمده سیاسی-اجتماعی قرن بیستم، به ویژه در دهه‌های آخر این قرن، پدیده اسلام‌گرایی یا تجدید حیات و ظهور ایده سیاسی مبتنی بر اسلام بوده است. مفهوم اسلام سیاسی بیشتر برای توصیف آن دسته از جریان‌های سیاسی اسلام به کار می‌رود که خواستار ایجاد حکومتی بر مبنای اصول اسلامی هستند. بنابراین اسلام سیاسی را می‌توان گفتمانی به حساب آورد که گرد مفهوم مرکزی حکومت اسلامی نظم یافته است. اسلام‌گرایی طیفی از رویدادها از پیدایش یک ذهنیت اسلامی گرفته تا تلاشی تمام‌عیار برای بازسازی جامعه مطابق با اصول اسلامی را در بر می‌گیرد.<sup>۱</sup> با این حال می‌توان مبانی اسلام سیاسی یا اسلام‌گرایی را در چند مورد بیان کرد:

- اعتقاد به ابعاد فراگیر دین؛ در گفتمان اسلام سیاسی، دین فقط یک اعتقاد نیست، بلکه ابعادی فراگیر دارد و تمامی عرصه هیئت آدمی را در بر می‌گیرد.

- اعتقاد به جداناپذیری دین از سیاست؛ اسلام سیاسی بر تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست تأکید کرده و مدعی است اسلام از نظریه‌ای جامع درباره دولت و سیاست برخوردار است و به دلیل تکیه بر وحی از دیگر نظریه‌های سیاسی متکی بر خرد انسانی، برتر است.

۱. بابی سعید، هراس بنیادین اروپامداری و ظهور اسلام‌گرایی، ترجمه غلامرضا جمشیدی‌ها و موسی عنبری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۹، ص ۲۰.





دکمجیان، رستاخیز اسلامی معاصر را پدیده نوینی نمی‌داند و معتقد است که دنیای غرب به دلیل عدم آشنایی با تحول تاریخی جوامع اسلامی قادر به درک صحیح این پدیده نیست. به نظر او جنبش‌های اسلامی پدیده‌های جدیدی محسوب نمی‌شوند، بلکه جلوه‌های معاصر جریانی تاریخی هستند که در طول دوران پس از ظهور اسلام در بخش‌های گوناگون جهان اسلام نمود پیدا کرده است. به عبارت دیگر جنبش‌های فکری - سیاسی اسلامی پدیده‌ای دوره‌ای هستند که در دوران‌های خاص ظهور کرده و تحول یافته‌اند

- اعتقاد به تشکیل دولت مدرن بر اساس اسلام؛ اسلام سیاسی از تعبیرهای اسلامی برای تبیین و توضیح وضعیت سیاسی جامعه استفاده می‌کند و بازگشت به اسلام و تشکیل حکومت اسلامی را تنها راه حل بحران‌های جامعه معاصر به شمار می‌آورد. اسلام سیاسی در پی ایجاد نوعی جامعه مدرن است که در کنار بهره‌گیری از دستاوردهای مثبت تمدن غرب از آسیب‌های آن به دور باشد.

- اعتقاد به استعمار غرب عامل

عقب‌ماندگی مسلمانان؛ اسلام‌گرایان عقب‌ماندگی سیاسی مسلمانان را زائیده استعمار جدید غرب می‌دانند و به این وسیله با دست گذاشتن بر حساسیت‌های امت اسلام، می‌خواهند به عقب‌ماندگی مسلمانان پاسخ گویند.

در مجموع هدف نهایی اسلام سیاسی، بازسازی جامعه بر اساس اصول اسلامی است و در این راه به دست آوردن قدرت سیاسی، مقدمه‌ای ضروری تلقی می‌شود. هواداران اسلام سیاسی، اسلام را به مثابه یک ایدئولوژی جامع در نظر می‌گیرند که دنیا و آخرت انسان را در بر گرفته و برای همه حوزه‌های زندگی دستورها و احکامی روشن دارد.<sup>۱</sup> در مورد تبیین ماهیت و ابعاد اسلام‌گرایی در جمهوری آذربایجان، به نظر می‌رسد نظریه خورشید احمد محقق پاکستانی و عضو جماعت اسلامی پاکستان (با توجه به هفتاد سال مستعمره بودن آذربایجان در دست کمونیست‌های الحادی) و هرایر دکمجیان محقق مسیحی عرب تبار و استاد علوم سیاسی دانشگاه کالیفرنیا مناسب باشد. چون این دو نظریه از اهمیت بسزایی در مباحث مربوط به علل و عوامل ظهور جنبش‌های اسلامی برخوردارند که در ذیل اشاره می‌شود.

1. <http://www.taqrif.info/persian/index.php?option=com>

## نظریه تجدید حیات اسلامی خورشید احمد

خورشید احمد، تجربه جوامع مسلمان در دو قرن اخیر و رابطه میان مسلمانان و غرب را که در استعمار ریشه دارد، بستر مناسبی برای تبیین گسترش تجدید حیات طلبی اسلامی می‌داند. به نظر او، ریشه‌های رستاخیز اسلامی معاصر را باید در میراث استعمار یا به عبارتی در آثاری که قدرت‌های استعماری در جوامع مسلمان به جا گذاشتند، جست‌وجو کرد. تجدید حیات طلبی اسلامی معاصر در نتیجه فرآیند استعمار و عملکرد آن در جهان اسلام بود. به اعتقاد خورشید احمد، سیاست استعماری چهار اثر بر جوامع اسلامی بر جای گذاشت:

۱. غیر مذهبی (سکولاریزاسیون) کردن جوامع اسلامی، به ویژه دولت و نهادهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی آن؛
  ۲. سلطه الگوی غربی و وابسته شدن نهادهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشورهای اسلامی به غرب که خود، سلطه مذکور را نهادینه کرد؛
  ۳. قطب‌بندی کردن آموزش بر محور نهادهای آموزشی سنتی و نهادهای آموزش نوین که به ظهور گروهی از نخبگان جدید که با مردم بومی بیگانه بودند، منجر شد؛
  ۴. بحران رهبری که در اثر نابودی سازمان‌یافته رهبری سنتی جوامع اسلامی و تحمیل رهبری سیاسی از خارج، که از اعتماد مردم برخوردار نبود، به وجود آمد.<sup>۱</sup>
- توسعه جوامع غربی و عقب‌ماندگی جوامع اسلامی، نخبگان سیاسی و فکری را به چاره‌جویی واداشت. گروهی از این نخبگان، راه چاره را پیروی از تمدن غرب و تقلید جوامع اسلامی از تجربه غربی‌ها در توسعه سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می‌دانستند. خورشید احمد، این استراتژی را «استراتژی نوگرایی» می‌نامد. گروهی دیگر که تعلق خاطر و تعهد بیشتری به ارزش‌ها، عقاید و سنن بومی داشتند، دوری مسلمانان از روح اسلام را علت اصلی عقب‌ماندگی جوامع اسلامی در نظر گرفتند و بازگشت به سنن اسلامی را تنها راه جلوگیری از انحطاط این جوامع می‌دانستند. در میان این گروه، دو شیوه نگرش درباره اسلام ظهور کرد. نگرش اول که دیدگاهی پوزش‌طلبانه داشت، تمامی مظاهر پیشرفت و تمدن غرب را انکار می‌کرد و با دوری‌گزیدن از جلوه‌های نوگرایی بر حفظ سنت‌های کهن مذهبی به همان شیوه و بدون ایجاد هر گونه تفسیر یا اجتهاد تأکید می‌ورزید. خورشید احمد این نوع طرز تفکر را «استراتژی مقاومت حفاظتی» می‌نامد. گروه دوم درباره غرب و دستاوردهای آن رهیافتی گزینشی دارند.

۱. محمد رضا زارع، *علل رشد اسلام‌گرایی در ترکیه*، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۳، ص ۸۴.





این گروه غرب را به عنوان یک تمدن در نظر گرفته و جنبه‌های مثبت و منفی آن را مدنظر قرار می‌دهند. برای آنها، شناخت دقیق و عمیق جنبه‌های تمدنی غرب یک ضرورت اساسی است. از سوی دیگر، اینها به اسلام نیز به عنوان یک میراث تمدنی می‌نگرند و آن را به عنوان یک اساس جدید فرهنگی و تمدنی معرفی می‌کنند. آنها خواستار ظهور اسلام به عنوان یک جنبش اجتماعی - سیاسی هستند که در پی بازگشت به پیام اولیه اسلام است. خورشید احمد این طرز تفکر را «استراتژی تجدید حیات اسلامی» می‌خواند، که ریشه بیشتر جنبش‌های اسلامی معاصر در آن قرار دارد. نظریه خورشید احمد در ریشه‌یابی جنبش اسلامی تجدید حیات طلبی قرن اخیر مطرح شده و در صدد است تبیینی صحیح از خیزش سیاسی و فکری اسلامی گروه‌های اسلامی در جوامع مسلمان به دست دهد. با توجه به این نکته، تجدید حیات طلبی اسلامی پدیده‌ای است خاص دوران معاصر و محصول برخورد میان اسلام و غرب در دوران استعمار. بدین ترتیب رویارویی کنونی میان جنبش‌های اسلامی با دولت‌های موجود طرفدار غرب یا با دولت‌های غربی را نمی‌توان پدیده‌ای نهفته در درون اندیشه اسلامی و بنابراین دشمنی ذاتی اسلام با غرب دانست، بلکه باید واکنش طبیعی مسلمانان در برابر تحقیر غرب و سوء رفتار آن با دنیای اسلام در نظر گرفت. این نظر از آن روی برای اسلام‌گرایان آذربایجان مطابقت دارد که آنها هفتاد سال زیر تسلط یک نظام سیاسی کمونیستی ضد اسلام روسی با بیشترین تحقیرهای هویتی و دینی قرار گرفته و ماشین آسیملاسیون روسی با غیر انسانی‌ترین سیاست و راهبرد، هویت دینی و انسانی آنها را هدف قرار داده و انسان آذربایجانی را به گوهره معنایی خویش دچار بحران نموده بود.

### نظریه ادواری هر ایر دکمجیان

در حالی که خورشید احمد نظر خود را در چهار چوب یک گفت‌وگو سیاسی در راستای روابط نابرابر غرب و دنیای اسلام تدوین می‌کند، هر ایر دکمجیان در صدد برآمده است تا یک نظریه جامع پیرامون علل و عوامل ظهور جنبش‌های اسلامی به دست دهد. وی تجربه تاریخی جوامع مسلمان، ویژگی‌های فکری اسلامی و اعتقادات مسلمانان را با استفاده از نظریات موجود متفکران سیاسی و جامعه‌شناسی غرب (نظیر ماکس وبر، دور کیم، مارکس و اریکسون) مورد تحلیل قرار می‌دهد و یک چهار چوب مفهومی که به نظریه ادواری معروف شده است ارائه می‌دهد.



دکم‌جیان، رستاخیز اسلامی معاصر را پدیده نوینی نمی‌داند و معتقد است که دنیای غرب به دلیل عدم آشنایی با تحول تاریخی جوامع اسلامی قادر به درک صحیح این پدیده نیست. به نظر او جنبش‌های اسلامی پدیده‌های جدیدی محسوب نمی‌شوند، بلکه جلوه‌های معاصر جریانی تاریخی هستند که در طول دوران پس از ظهور اسلام در بخش‌های گوناگون جهان اسلام نمود پیدا کرده است. به عبارت دیگر جنبش‌های فکری-سیاسی اسلامی پدیده‌ای دوره‌ای هستند که در دوران‌های خاص ظهور کرده و تحول یافته‌اند.

وی با استفاده از دو مفهوم سقوط و رستاخیز چنین عنوان می‌کند که جنبش‌های رستاخیزی در تاریخ اسلام در واقع واکنش‌ها و پاسخ‌های مسلمانان به دوران‌های سقوط و انحطاط بوده است؛ یعنی در طول تاریخ جوامع مسلمان، در برابر هر سقوط و انحطاط، یک جنبش فکری یا سیاسی رستاخیزی به وقوع پیوسته است که هدف آن احیای مجدد دین اسلام بوده است.<sup>۱</sup>

این نظر هم تا حدودی می‌تواند چهارچوبی برای کشور مسلمان جمهوری آذربایجان باشد؛ کشوری که ۲۰ درصد از اراضی‌اش در اشغال ارامنه مسیحی قرار گرفته و یک میلیون نفر در سرزمین خویش آواره گشته‌اند. این در حالی است که دنیای مسیحی، اعم از اتحادیه اروپا، امریکا و روسیه جانب اشغالگر ارمنی را گرفته‌اند. مسلمانان آذربایجانی در وضعیت تحقیر هویتی هستند و در تکاپوی هویت‌طلبی سیاسی خویش به سر می‌برند.

## اسلام در جمهوری آذربایجان

به فاصله کوتاهی پس از ظهور اسلام، مردم آذربایجان توسط اعراب به اسلام روی آوردند. در سال ۶۳۹ میلادی بود که آذربایجان کنونی ایران، مورد هجوم سپاه اسلام قرار گرفت و در سال ۶۴۱، عرب‌های مسلمان، اردبیل، شهر عمده آذربایجان در زمان ساسانیان را تصرف کردند. نبرد بین سپاه اسلام و ساسانیان بالاخره به سرنگونی ساسانیان در سال ۶۵۱ منتهی گشت. نیروهای اسلام از سال ۶۴۳ میلادی توانستند در شمال آذربایجان و در اطراف دریای خزر شهر مهم دربند آذربایجان- در حال حاضر از شهرهای داغستان است- را تصرف کنند.<sup>۲</sup> سپس در سال ۷۲۰ میلادی عرب‌ها موفق

۱. همان.

۲. سوانته کورنل، سیاسی شدن اسلام در جمهوری آذربایجان، ترجمه قدیر نصری، تهران، پژوهشکده مطالعات کاربردی فارابی، ۱۳۸۸، ص ۱۸.

شدند خانات خزر را شکست دهند و پس از تصرف تدریجی آذربایجان، حکمران بدون رقیب منطقه آذربایجان شوند.

در خلال قرون متمادی، اشکال متعددی از اسلام بر آذربایجان سيطره داشته است؛ اندیشه سنی را خلفای عباسی و سلجوقیان، که از صفحات شمالی امپراتوری اسلام ظهور کردند، در ایران گسترش بخشیدند. در همین ایام، فرقه‌های صوفیه نیز در منطقه قدرت یافتند که نقش مهمی در همگرایی قومی داشتند. با حمله مغول‌ها هر چند اوضاع مسلمانان بسیار وخیم گردید اما بعد از اینکه قازان خان مغول در قرن سیزدهم میلادی به اسلام روی آورد، اسلام را با شعور و تعصب خاصی گسترش بخشید. در دوره حکومت ایلخانان مغول، مذهب غالب در جمهوری آذربایجان کنونی، مذهب شافعی یا مکتب فقهی اسلام سنی بود.<sup>۱</sup>

مذهب تشیع در سرزمین آذربایجان همزمان با ایران در دوره صفویه گسترش یافت. در واقع صفوی‌ها از دل حلقه‌های صوفیانه برآمدند. این سلسله در اواخر قرن سیزدهم میلادی تأسیس گردید. در قرن چهاردهم میلادی قبایل ترک کنترل اوضاع را به دست گرفتند، به عبارتی بین خاندان‌های ترک نوعی اخوت نظامی پدید آمد که بی‌شبهت به اخوت نظامی شوالیه‌های اروپایی نبود. تحت رهبری اسماعیل خطایی سلسله صفویه تأسیس شد و در شهر تبریز قدرت را به دست گرفت. سلسله صفوی که ریشه بومی داشتند و از منطقه اردبیل برخاسته بودند در اوایل قرن شانزدهم میلادی، سنگ بنای دولت در ایران را بنیاد نهادند و شیعه را به عنوان مذهب رسمی کشور ایران اعلام نمودند. از آن تاریخ تشیع در جمهوری آذربایجان کنونی به صورت مذهب اکثریت مردم درآمد.

## گونه‌شناسی جریان اسلام‌گرایی در آذربایجان

### الف. اسلام‌گرایی شیعی

در برآورد کارشناسانه از فضای عمومی جریان‌های اسلام‌گرا در جامعه آذربایجان سه طیف بین مسلمانان این جمهوری دیده می‌شود. طیفی از آنها نتیجه سیاست یکسان‌سازی دوران حاکمیت روس‌ها، به دین بی‌اعتنا هستند (حدود ۲۰ درصد)؛ طیف بزرگی از آنها دین اسلام را به عنوان مهم‌ترین عنصر هویتی خود پذیرفته‌اند و سعی دارند جلوه‌هایی از آیین‌های اسلامی را در مناسبات اجتماعی و فرهنگی خود به نمایش بگذارند. این طیف، اسلام را در چهارچوب مسائل اجتماعی-فرهنگی می‌پذیرند



با این حال می‌توان مبانی اسلام سیاسی یا اسلام‌گرایی را در چند مورد بیان کرد: اعتقاد به ابعاد فراگیر دین؛ اعتقاد به جداناپذیری دین از سیاست؛ اعتقاد به تشکیل دولت مدرن بر اساس اسلام؛ اعتقاد به استعمار غرب عامل عقب‌ماندگی مسلمانان

و علاقه‌ای به سیاسی شدن نشان نمی‌دهند (حدود ۶۵ درصد)؛ طیف سوم از مسلمانان مایل به سیاسی کردن هویت اسلامی خویش‌اند و از اوایل استقلال، بخشی از آنها کنش سیاسی خود را به سیاسی کردن اعتقادات اسلامی معطوف کرده‌اند. (حدود ۱۵-۱۰ درصد پتانسیل گرایش سوم است) حزب اسلام (شیعی) جمهوری آذربایجان کانون اصلی گرایش سوم محسوب

می‌شود. این حزب در سال ۱۹۹۲ مجوز فعالیت گرفت، اما دولت در سال ۱۹۹۶ مجوز آن را لغو کرد. با اینکه حزب اسلام اجازه قانونی برای فعالیت‌های انتخاباتی ندارد، همواره در عرصه عمومی جامعه فعال بوده است. از طرفی، ده‌ها نهاد مدنی اسلام‌گرا به صورت شبکه‌ای، بخشی از اهداف آن حزب را دنبال می‌کنند. رهبر حزب اسلام در حال حاضر دکتر محسن صمداف (دانش‌آموخته ایران) است. جغرافیای فعالیت حزب نیز بیشتر در شهرستان نارداران (۲۵ کیلومتری شهر باکو) و بخش‌هایی از مناطق جنوب جمهوری آذربایجان است. از شخصیت‌های مؤثر و نسل جدید نخبگان اسلام‌گرا، حاج ایلقار ابراهیم اوغلو (تحصیل کرده فلسفه اسلامی در حوزه علمیه قم) است که رئیس نهاد مدنی با عنوان «آزادی وجدان و ارزش‌های دینی» است. وی به علت فعالیت و مطالعه درباره حقوق بشر و عضویت در نهادهای حقوق بشر غرب شخصیتی شناخته‌شده برای نهادهای بین‌المللی و غربی است.

کارویژه حزب اسلام و سایر جریان‌های اسلام‌گرای شیعی در سال‌های اخیر، تبلیغ اندیشه‌های اسلامی، توسعه مساجد، سازماندهی هیئت‌های مذهبی در کشور، برگزاری راهپیمایی روز قدس، برگزاری عزاداری‌های مربوط به محرم و صفر، برگزاری کنفرانس در مورد مسائل جهان اسلام به خصوص در مورد فلسطین، مخالفت با توسعه روابط رژیم صهیونیستی با جمهوری آذربایجان، مقابله با جریان‌های ضد شیعی، حمایت از مواضع منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران، مخالفت با حضور ناتو و کشورهای بیگانه در آذربایجان، انتقاد از سیاست‌ها و برنامه‌های ضد دینی حاکمیت و... بوده است.<sup>۱</sup> اهداف کلان جریان‌های اسلام‌گرای شیعی در آذربایجان ایجاد دگرگونی بنیادی در ساختار نظام سیاسی سکولار و ایجاد بسترهای لازم برای ورود نیروهای

۱. ولی جباری، شیعیان جمهوری آذربایجان، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۹، ص ۱۹۹-۱۷۱.





خورشید احمد، تجربه جوامع مسلمان در دو قرن اخیر و رابطه میان مسلمانان و غرب را که در استعمار ریشه دارد، بستر مناسبی برای تبیین گسترش تجدید حیات طلبی اسلامی می‌داند. به نظر او، ریشه‌های رستاخیز اسلامی معاصر را باید در میراث استعمار یا به عبارتی در آثاری که قدرت‌های استعماری در جوامع مسلمان به جا گذاشتند، جست‌وجو کرد

اسلام‌گرا به دایره مدیریتی کشور است. البته در اهداف عینی و عملیاتی بین حزب اسلام با برخی جریان‌های اسلام‌گرا وحدت رویه و رویکرد وجود ندارد. حزب اسلام بیشتر رویکرد منطقه با کلیت حاکمیت را در پیش گرفته است، ولی جریان‌های اسلامی دیگر، به خصوص نوگراها، در پی ایجاد بسترهای لازم برای مشارکت سیاسی هستند. سرعت و تأثیرگذاری جریان‌های اسلام‌گرای شیعی در سال‌های اخیر بیشتر شده است و حزب

اسلام و سایر احزاب و نهادهای مدنی دینی همسو در سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۰ توانسته‌اند چندین رفتار و کنش اجتماعی-سیاسی مؤثر از خود نشان دهند که یکی از آخرین موارد، تظاهرات در مورد قانون ممنوعیت حجاب بود که حدود دو هزار نفر در آن شرکت کردند.

به همین علت اکثر اتهامات وارد شده به این حزب، همکاری سازمانی با ایران است. این حزب تاکنون نتوانسته است رفتاری مستقل از خود نشان دهد و تکرار مواضع رسمی جمهوری اسلامی ایران، بر نوع مناسبات اجتماعی و سیاسی آن تأثیر گذاشته است. منابع غربی، اعضای حزب اسلام در سال ۲۰۰۵ را بیش از هفتاد هزار نفر برآورد کردند. آنها بستر اجتماعی این حزب را توده عام مردم می‌دانند و نخبگان جامعه بین آنها جای چندانی ندارند.<sup>۱</sup> در کنار این حزب، چند حزب همسو و ده‌ها نهاد مدنی اسلامی فعال‌اند که به آرمان و اهداف این حزب کمک می‌کنند. در ذیل به اسامی برخی از آنها اشاره می‌شود:

- مرکز دفاع از آزادی اعتقادات، به رهبری ایلقار ابراهیم اوغلو؛
- حزب «اتحاد» به رهبری حاج خودات خودی‌اف؛
- حزب «دموکراتیک اسلامی» به رهبری طاهر عباس‌اف؛
- حزب «فضیلت» به رهبری حاج گوندوز حاجی‌اف؛
- حزب «سبز» به رهبری مائیس گل علی‌اف؛

۱. الیاس واحدی، هویت قومی در جمهوری آذربایجان، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۶، ص ۸۸.

- اتحادیه اجتماعی «دیرلر» به رهبری آبگل سلیمان اف؛
- اتحادیه اجتماعی «بیرلیک» به رهبری نامیک باباخانان.

بین احزاب و نهادهای یادشده «مرکز دفاع از آزادی اعتقادات» جایگاهی ویژه دارد. به علت اندیشه‌های حاجی ایلقار ابراهیم اوغلو، این نهاد به جریان مهم اسلام‌گرایی شیعه در آذربایجان تبدیل شده است. ابراهیم اوغلو پس از هشت سال طلبگی و تحصیل در ایران، به جمهوری آذربایجان بازگشت و امام جماعت مسجد جمعه در بخش قدیمی باکو شد. طولی نکشید که نطق‌های مهیج و شعارهای ضد دولتی ابراهیم اوغلو هواداران چشمگیری یافت. جالب اینجاست که ابراهیم اوغلو مدتی در لهستان اقامت داشته و در آنجا «حقوق بشر و دموکراسی» خوانده است. تفاوت ابراهیم اوغلو با سایر روحانیون این است که وی تعالیم اسلام را با شعارهای دموکراتیک نوین ترکیب کرده است. این خصیصه به او اجازه می‌دهد جوانان سکولار آذربایجان را جذب کند. البته ابراهیم اوغلو در زمان تحصیل در رشته علوم دینی و فلسفه اسلامی در ایران، از اندیشه‌های معتدل آیت‌الله مرتضی مطهری تأثیر پذیرفته است. دوستان ابراهیم اوغلو در پی سازگاری سنت‌های مذهب شیعه با شرایط روز و پیوند فعال با نهادهای حقوق بشر در سطح بین‌المللی هستند.<sup>۲</sup>

در شرایط حاضر ابراهیم اوغلو و جریان اسلامی منتسب به او در حوزه فکری و اندیشه‌ای جامعه آذربایجان، در مقایسه با سایر جریان‌های اسلام‌گرا، بیشترین نفوذ را دارند.<sup>۳</sup> حتی برخی محققان غربی وی را مقتدی صدر آذربایجان می‌دانند.<sup>۴</sup> برخی هم وی را «امام خمینی» (ره) آینده آذربایجان می‌خوانند.<sup>۵</sup>

علاوه بر جریان یادشده، مراکز و مؤسساتی مانند مرکز پژوهش‌های دینی که در سال ۱۹۹۹ تأسیس شد، در پی احیای معارف اسلامی و ارزش‌های شیعی در آذربایجان هستند.<sup>۶</sup> «مرکز دین و دموکراسی» که توسط نریمان قاسم اوغلو، شرق‌شناس و مترجم

۱. سوانته کورنل، همان، ص ۷۳.

2. <http://bashgah.net/pages-5276.html>

3. [www.crisisgroup.org](http://www.crisisgroup.org). Op. Cit.

۴. سوانته کورنل، همان.

۵. گفتنی است وی از منتقدان سرسخت حاکمیت اقتدارگرای علی‌اف است و به دلیل مخالفت‌های گسترده با دولت در سال ۲۰۰۴ از ادامه امامت جماعت مسجد جمعه باکو منع و با محدودیت‌های اساسی در فعالیت‌هایش مواجه شد.

۶. ریاست این مرکز را روشنفکر دینی جوان، ایلیچین عسگراف برعهده دارد و حمایت آن از نظام جمهوری اسلامی ایران و برقراری روابط گسترده بین این کشور و آذربایجان از محتوای مطالب تهیه‌شده توسط مرکز کاملاً آشکار است. مرکز علاوه بر درج مطالب خبری و تحلیلی در سایت اینترنتی خود، مجله قطب را نیز منتشر می‌کند.





قرآن کریم به زبان آذری، اداره می‌شود نیز نقش مثبتی در گسترش اندیشه‌های شیعی دارد.<sup>۱</sup>

### ب. جریان‌های سنی (وهابی-سلفی)

واقعیت این است که رادیکالیسم اسلامی در قالب سلفی - وهابی اندیشه‌ای بومی در جمهوری آذربایجان نیست، بلکه این تفکر بعد از استقلال از خارج مرزهای این کشور وارد شده است تا مردم مسلمان آن کشور را از مسیر اسلام ناب محمدی (ص) منحرف سازد. امروزه حدود ۷ الی ۱۵ هزار نفر سلفی در باکو و شهرهای شمالی (سنی نشین) آذربایجان، به خصوص در نواحی مرزی داغستان و چچن زندگی می‌کنند. در شهرهای باکو، خاچمار و سایر شهرک‌های شمال آذربایجان تعداد کسانی که به سلفی‌گری ایمان آورده‌اند، قابل توجه است و به راحتی می‌توان سلفی‌های این منطقه را از تنبان کوتاه (شلوار کوتاه) و ریش‌های بلندشان تشخیص داد. سلفی‌ها علاوه بر اینکه با شیعیان مشکل عقیدتی جدی دارند، با پیوند دادن ایدئولوژی خود به جهاد جهانی اسلام، در جمهوری آذربایجان هم مرتکب عملیات تروریستی شدند و هم در جذب جوانان آذری برای اعزام به افغانستان، عراق و چچن نقش جدی داشتند.

در گسترش سلفی‌گری چند عامل نقش جدی داشته است: نخست، هم‌مرزی با قفقاز شمالی و حضور فعال سلفی‌ها در آن منطقه؛ سلفی‌ها از دهه ۱۹۸۰ در چچن حضور پررنگی دارند. آنها در روستاهای کاراماکسی<sup>۲</sup> و چوبان ماخی<sup>۳</sup> داغستان توانسته‌اند آموزه‌های دینی سلفی / وهابی‌گری را اشاعه دهند. آنها به دلیل جنگ و شرایط جنگی نتوانستند در چچن و داغستان بمانند و در نتیجه، فعالیت‌هایشان را در نواحی اطراف، از جمله جمهوری آذربایجان گسترش داده‌اند. در دهه ۱۹۹۰ که آذربایجان را جایگاهی راهبردی برای خود یافتند، به علت مقاومت ملی‌گرایی آذری با ناکامی مواجه شدند، ولی وقوع و تشدید جنگ قره‌باغ و آشفتگی حاصل از جنگ، زمینه را برای رشد سلفی‌گری در آذربایجان فراهم کرد.

۱. این مرکز در سال ۱۹۹۸ با هدف بهبود روابط بین ادیان موجود در آذربایجان، بهبود جایگاه دین اسلام در عرصه‌های مختلف اجتماعی به عنوان دین اکثریت مردم آذربایجان، تبلیغ اصول علمی و مبانی و ارزش‌های صحیح دینی تأسیس شد. در رویکرد این مرکز به موارد مهم ذیل اشاره شده است:  
توجه مؤثر رسانه‌های گروهی کشور به مسائل دینی جامعه؛  
گنجاندن درس‌های قرآن در دوره تحصیلی متوسطه؛  
گنجاندن درس منطق قرآنی در مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها؛  
حمایت از برگزاری مراسم دینی - عبادی.

2. Karamaxi

3. Choban Makhi



در حالی که خورشید احمد نظر خود را در چهارچوب یک گفتمان سیاسی در راستای روابط نابرابر غرب و دنیای اسلام تدوین می‌کند، هر ایرد کم‌جیان در صدد برآمده است تا یک نظریه جامع پیرامون علل و عوامل ظهور جنبش‌های اسلامی به دست دهد. وی تجربه تاریخی جوامع مسلمان، ویژگی‌های فکری اسلامی و اعتقادات مسلمانان را با استفاده از نظریات موجود متفکران سیاسی و جامعه‌شناسی غرب مورد تحلیل قرار می‌دهد و یک چهارچوب مفهومی که به نظریه ادواری معروف شده است ارائه می‌دهد

دومین موج گسترش سلفی‌ها به آغاز سال ۱۹۹۸ بازمی‌گردد که با جنگ دوم چچن - روسیه مصادف بوده است. در این جنگ، چچنی‌ها به علت محاصره، به گرجستان و آذربایجان پناه بردند. در سال ۲۰۰۰-۱۹۹۹ بر اساس آمار، هشت هزار پناهنده چچنی مورد تعقیب، به آذربایجان آمدند.<sup>۱</sup>

اما مهم‌ترین عامل در تسریع و قدرتمند شدن گروه‌های سلفی در آذربایجان، نفوذ کشورهای عربی به حوزه دینی آذربایجان و حمایت از سلفی‌گری است. آنها علاوه بر کادرسازی بین سنی‌مذهب‌ها، از نظر مالی هم سلفی‌ها را تقویت کردند؛ به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۳، سلفی‌های آذربایجان ۶۵ مسجد در اختیار داشتند که مسلماً در سال ۲۰۱۲ بر این تعداد افزوده شده است. یکی از مساجد بزرگ سلفی

در این کشور مسجد ابوبکر است که در سال ۱۹۹۷ توسط شاخه آذری «احیای اجتماع کویته میراث اسلامی» ساخته شد. این مسجد یکی از مساجد موفق در آذربایجان است که در آن در نمازهای جمعه بیش از پنج هزار نفر حضور به هم می‌رسانند. امام جماعت این مسجد آقای قامت سلیمان‌اف، تحصیل کرده دانشگاه اسلامی مدینه (عربستان)، یکی از مراکز مهم آموزش سلفی‌گری است.

مسجد ابوبکر و شخص قامت سلیمان‌اف که از طرف عربستان و سایر کشورهای عربی حمایت می‌شوند، در رقابت جدی با جریان‌های اسلامی شیعه، به خصوص مسجد جمعه و شخص ایلقار ابراهیم هستند.

شایان ذکر است در سال‌های اخیر محافظه‌کاری شخص قامت سلیمان‌اف در مقابل حکومت سکولار، باعث شده عده‌ای از نمازگزاران مسجد ابوبکر و پیروان سلیمان‌اف در مقابل وی موضع‌گیری و برای خودامیری انتخاب کنند و در شمال آذربایجان به صورت

۱. محسن خلیلی و ابراهیم مجیدی، «رشد هویت اسلامی - شیعی در جمهوری آذربایجان»، همان.



رادیکال حتی با ایجاد گروه‌های مسلح (مانند برادران جنگل) به فعالیت بپردازند.<sup>۱</sup> همان‌طور که نظر بابایف، معاون وزیر امنیت ملی آذربایجان (در مه ۲۰۰۲) گفته است، بیش از سیصد آذری در مراکز وهابی در داغستان آموزش دیده‌اند. وی ضمن اشاره به نقش برخی کشورهای عربی در گسترش و نفوذ وهابیت در آذربایجان، سه مرحله را در فعالیت وهابی در آذربایجان مؤثر دانسته است: اول، گسترش ادبیات وهابی و تهیه منابع مالی برای فعالیت‌های مذهبی و سیاسی آنها؛ دوم، آموزش فعالان؛ سوم، بسیج نیروها برای اهداف سیاسی و بی‌ثباتی دولت.<sup>۲</sup>

### عوامل تقویت‌کننده جریان اسلام‌گرایی شیعی

طی سال‌های اخیر محبوبیت اسلام در آذربایجان به طور قابل توجهی افزایش یافته است. افزایش محبوبیت اسلام در این جمهوری مورد تأیید بررسی‌های بین‌المللی و تحقیقات محلی است. عوامل مختلفی در تقویت اسلام‌گرایی شیعی در جمهوری آذربایجان تأثیر داشته است که می‌توان آن را به عوامل داخلی و خارجی تقسیم نمود. در ذیل به مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

#### ۱. هویتی‌طلبی ملی در برابر فرهنگ روسی و غربی

استقلال آذری‌ها از شوروی کمونیستی روسی یک استقلال صوری نبود بلکه کلیه عرصه‌های خصوصی و اجتماعی جمهوری آذربایجان را در نوردید. فروپاشی کمونیسم و افول ایدئولوژی الحادگرا به طور طبیعی مردم را به سمت ریشه‌های هویتی خود سوق داد؛ هویتی که بتواند وجه تمایز اساسی بین آذری‌ها و روس‌ها به وجود آورد، مهم‌ترین‌اش هویت دینی بود و سپس سایر عناصر هویتی مانند زبان. به همین جهت هویت‌یابی اسلامی در مقابل روس‌ها محرک مؤثری در گسترش اسلام در این جامعه گردید. البته پس از فروپاشی شوروی، ورود لجام‌گسیخته فرهنگ غربی به آذربایجان که فرهنگ آذربایجانی و هنجارهای اجتماعی را به خصوص در شهرها با دگرگونی‌های چشمگیر و سریعی مواجه کرد، واکنش محافظه‌کارانه در مقابل آن فرهنگ رخ نمود و همین واکنش‌ها در کشور آذربایجان به سرعت صبغه دینی به خود گرفت. بدین ترتیب بود که ارزش‌های اسلامی به عنوان واکنشی در قبال زیاده‌روی‌های غرب ظاهر شدند، چراکه بخش قابل توجهی از جامعه آذری ارزش‌های غربی را با سبک زندگی خود مطابق

1. www.crisis.group.org, Op.Cit, P.13.

2. www.islam-Azerbaijan.com.Anar Valiyer, "The Rise of Salafi Islam in Azerbaijan"

نمی دیدند. به عبارتی علایق سنتی - دینی افراد میانسال به بالا در آذربایجان زمینه را برای مقاومت در قبال ارزش‌های غربی فراهم آورده است.

#### ۲. مناقشه قره‌باغ و مواضع جانبدارانه غرب

یکی از عواملی که باعث توجه بخشی از مردم آذربایجان به هویت دینی خویش است، بحران قره‌باغ و اشغال ۲۰ درصد از اراضی آذربایجان توسط ارمنستان (با کمک ارتش روسیه) است. رویکرد روسیه، امریکا و اروپا به حل این مناقشه از مجرا و زاویه دینی است. یعنی مجموعه غرب و روسیه به هیچ وجه ارمنستان مسیحی را، نه اینکه تحت فشار قرار ندادند، بلکه در سطوح مختلف به حمایت از آن پرداختند. کمک‌های امریکا به دولت خودخوانده قره‌باغ، اعمال ماده ۹۰۷ در مورد ممنوعیت فروش تسلیحات جنگی به آذری‌ها، بی‌تفاوتی به ادامه اشغال ۲۰ درصد از خاک آذری‌ها و تأکید بر مذاکرات بی‌حاصل بیست‌ساله، در مجموع باعث شده بیشتر مردم آذربایجان مورد فلسطین اشغالی را تجسم کنند که بیش از ۶۰ سال غرب مذاکره بی‌حاصل را بر آنها تحمیل نموده است. این مسئله هم در نوع خود تقویت اسلام‌گرایی و توجه به پتانسیل‌های جهان اسلام را در جامعه آذری موجب گردیده است.

#### ۳. روحانیون شیعه

نقش روحانیت و عالمان دینی در محیط سیاسی جریان‌های سیاسی اسلام‌گرای شیعی بسیار مؤثر است. در آذربایجان در طول ۲۰ سال اخیر، حدود ۱۵ هزار نفر در علوم دینی فارغ‌التحصیل شده‌اند. هر سال حدود ۱۲۰۰ - ۱۰۰۰ نفر از علاقه‌مندان به علوم دینی برای تحصیل به کشورهای مختلف می‌روند که تقریباً نصف آنها جذب تحصیل در مراکز علوم دینی ایران می‌شوند.<sup>۱</sup> البته احتمالاً این تعداد اغراق‌آمیز باشد، ولی صدها نفر از دانش‌آموختگان علوم دینی که به کشورشان بازگشته‌اند یا در حال حاضر مشغول تحصیل‌اند، تأثیرات خود را در فضای عمومی آذربایجان به نفع جریان‌های اسلام‌گرا می‌گذارند. روحانیون آذربایجان در سال‌های اخیر تشکیلاتی می‌شوند و در مورد مسائل مبتلابه و واکنش منسجم نشان می‌دهند. این امر به نوبه خود کمک می‌کند وزن جریان‌های اسلام‌گرا در عرصه عمومی بیشتر و گسترده‌تر گردد.

#### ۴. نهادهای جمهوری اسلامی ایران

برخی نهادهای ایرانی از جمله سازمان تبلیغات اسلامی، جامعه المصطفی قم، حوزه

1. [www.mediforum.az/articles.php?article-id=20069080611343362/&Lang=a2&a](http://www.mediforum.az/articles.php?article-id=20069080611343362/&Lang=a2&a) ge=60

(قربان یعقوب اوغلو (پژوهشگر مسائل دینی)، «اسلام‌گرایی سیاسی در آذربایجان»)

علمیه، کمیته امداد امام خمینی (ره) بنیاد شهید و شبکه رادیو تلویزیونی برون مرزی آذری نیز در محیط سیاسی جریان‌های اسلام‌گرا نقش مثبت دارند. لازم به ذکر است الگوی جمهوری اسلامی آرمان سیاسی- فرهنگی «حزب اسلامی آذربایجان» است. آنها نظام اسلامی ایران را عمق ژئوپلتیک خود می‌دانند و با اتکا به آن به مبارزه سیاسی با حاکمیت سکولار مبادرت می‌ورزند؛ به همین جهت مورد حمایت معنوی نهادهای فعال جمهوری اسلامی ایران واقع گردیده‌اند.

## عوامل محدود کننده

۱. فرهنگ سیاسی لائیک: این فرهنگ که در دوران تسلط هفتادساله کمونیست‌ها بر آذربایجان تحمیل شده است، تأثیر منفی در حوزه تسری فرهنگ اسلامی در این کشور دارد. پس از فروپاشی شوروی هم بسیاری از نخبگان آذری‌ها برای حفظ استقلال فرهنگی خویش در مقابل احاطه فرهنگ دینی جمهوری اسلامی ایران، هواداری از ارزش‌های غرب را در دستور کار خود قرار دادند.

۲. گفتمان مسلط ناسیونالیسم آذری: ملی‌گرایی (ناسیونالیسم) در کشورها عموماً به یکی از دو شکل ملی‌گرایی مدنی یا ملی‌گرایی قومی انجام می‌گیرد. ملی‌گرایی نوع اول ارزش‌های مشترک بین تمام اقوام ساکن کشورها را مدنظر دارد و از هویت تمام اقوام حمایت می‌کند؛ ولی ملی‌گرایی قومی، حاکمیت را در دست یک قوم متمرکز می‌سازد و سایر اقوام در موقعیت ضعیف قرار می‌گیرند. در جمهوری آذربایجان، ناسیونالیسم آذری گفتمان غالب و مورد حمایت دولت و اکثریت ملت جمهوری آذربایجان است. در این گفتمان چندان به مباحث مذهبی توجه نمی‌شود. فقط دین اسلام را بخشی از هویت ترکی- آذری خویش تفسیر می‌کنند و می‌پذیرند. این گفتمان هویتی با توجه به تأثیرات ژرف برون‌مرزی، بخشی از فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مناطق قومی جمهوری اسلامی ایران را هم متأثر می‌سازد که باعث به چالش کشیدن جریان‌های اسلامی شیعه در این کشور می‌شود.

۳. بحران قره‌باغ و روابط ایران با ارمنستان: بحران قره‌باغ و اشغال ۲۰ درصد از اراضی جمهوری آذربایجان به عنوان عنصری جدی در شرایط صحنه جریان‌های اسلام‌گرا نقشی دوگانه دارد؛ از یک سو، ملت مسلمان آذربایجان، حمایت‌های دنیای مسیحی و در رأس آن روسیه، آمریکا و فرانسه از مواضع ارمنستان را درک می‌کند. این عامل





در برآورد کارشناسانه از فضای عمومی جریان‌های اسلام‌گرا در جامعه آذربایجان سه طیف بین مسلمانان این جمهوری دیده می‌شود. طیفی از آنها نتیجه سیاست یکسان‌سازی دوران حاکمیت روس‌ها، به دین بی‌اعتنا هستند؛ طیف بزرگی از آنها دین اسلام را به عنوان مهم‌ترین عنصر هویتی خود پذیرفته‌اند و سعی دارند جلوه‌هایی از آیین‌های اسلامی را در مناسبات اجتماعی و فرهنگی خود به نمایش بگذارند. طیف سوم از مسلمانان مایل به سیاسی کردن هویت اسلامی خویش‌اند و از اوایل استقلال، بخشی از آنها کنش سیاسی خود را به سیاسی کردن اعتقادات اسلامی معطوف کرده‌اند

باعث تقویت مواضع جریان‌های اسلامی می‌شود که راهبرد ضد امریکایی دارند.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، روابط جمهوری اسلامی ایران با ارمنستان و انتقادهای تبلیغاتی که جامعه آذری به خصوص بخش سکولار جامعه به این روابط دارد، مواضع و موقعیت جریان‌های اسلام‌گرای شیعی را دچار چالش می‌سازد.

**۴. فقدان کادرهای سیاسی مجرب، قوی و ملی:** جریان‌های اسلام‌گرا هنوز موفق نشده‌اند شخصیت‌هایی با تجربه سیاسی و دارای وزن ملی در خود پرورش دهند. بیشتر پیشروان و رهبران جریان اسلام‌گرای شیعی نتوانستند جایگاه اجتماعی-سیاسی مقبولی در جامعه آذربایجان به دست آورند. به همین علت در موضع‌گیری‌هایشان نمی‌توانند معادلات ملی و منطقه‌ای را

تشخیص دهند و در فضای سیاسی حرفه‌ای، قابلیت آنها به مراتب کاهش می‌یابد.

**۵. ناحیه‌ای و منطقه‌ای بودن حوزه فعالیت اسلام‌گراهای شیعی:** جغرافیای فعالیت اکثر جریان‌های اسلام‌گرای شیعی در جمهوری آذربایجان، شهرستان نارداران و روستاهای جنوبی هم‌مرز ایران است. با توجه به اینکه در نارداران زیارتگاهی هم وجود دارد، مردم این روستا از دوره شوروی، گرایش تند اسلام‌گرایی دارند.<sup>۲</sup> شهرستان نارداران که در ۲۵ کیلومتری باکو واقع شده سال‌هاست رفتار چالشی با جمهوری آذربایجان پیدا کرده است. ریش سفیدان این شهرستان، فضای تنش با حکومت را مدیریت می‌کنند. این مسئله در شرایط صحنه جریان‌های اسلام‌گرا دو کارکرد دارد: از یک سو در روستایی محصورند و مناسبات سیاسی و اجتماعی‌شان در قالب ادبیات سنتی ظهور و بروز می‌کند (ریش سفیدان نارداران) و گفتمان سنتی آنها قابلیت رقابت با سایر گفتمان‌ها

۱. رک: سوانته کورنل، همان، ص ۵۱-۳۴.

2. [www.crisisgroup.org/...-azcrbajjan-independant-islam-and-the-State-azeri-ashk](http://www.crisisgroup.org/...-azcrbajjan-independant-islam-and-the-State-azeri-ashk)

را در فضای سیاسی آذربایجان ندارد. از سوی دیگر این شهرستان از نظر ژئوپلتیک به مرکز نزدیک است و کنش سیاسی آنها خیلی زود در پایتخت شنیده می‌شود. گفتنی است خویشاوندی تباری اکثریت اهالی شهرستان به مقاومت آنها در حوزه سیاسی کمک می‌کند.

#### ۶. دولت‌های تأثیرگذار (ترکیه، آمریکا، روسیه و رژیم صهیونیستی)

این دولت‌ها نگران از اسلام‌گرایی شیعی طرفدار ایران در آذربایجان، سعی در جلوگیری از گسترش آن دارند؛ فعال‌ترین این کشورها ترکیه است. با توجه به اینکه الگوی اسلامی ترکیه معتدل است و تا حدودی تضادی با ساختار حکومت‌های سکولار ندارد، مورد حمایت دولت و اکثر نخبگان جمهوری آذربایجان است. دولت آذربایجان سعی می‌کند در مناطق شمالی (لزگی‌نشین) که رادیکالیسم اسلامی سنی‌مذهب نفوذ قابل توجهی دارد، الگوی ترکیه را جایگزین کند و به همین علت، شرایط را برای نفوذ ترکیه فراهم می‌کند.<sup>۱</sup>

ترک‌ها حدود هشت مسجد در آذربایجان دارند که در مسجد «ترک‌ها» در باکو برای نماز جمعه حدود سه هزار نفر حاضر می‌شوند. راه‌اندازی دانشکده الهیات در دانشگاه دولتی باکو از فعالیت‌های دینی دیگر دولت ترکیه در آذربایجان است.<sup>۲</sup> تاکنون چند صد نفر از علاقه‌مندان علوم دینی برای ادامه تحصیل در دانشگاه‌های ترکیه بورسیه شده‌اند. فعالیت‌های دینی در جمهوری آذربایجان زیر نظارت عالی «مدیریت امور دینی» وابسته به دولت ترکیه انجام می‌گیرد. البته در کنار اقدامات دولتی، طریقت‌های ترکیه‌ای نیز فعال‌اند. یکی از این طریقت‌ها، نورجیه است که به رهبری فتح‌الله گولن اداره می‌شود. جماعت نورجی، علاوه بر داشتن چند ده مدرسه، شبکه رادیو و تلویزیونی خزر و دانشگاه معتبر «قفقاز» را هم در اختیار دارد. نفوذ این جماعت در پارلمان و حوزه نهادهای دولتی قابل توجه است.<sup>۳</sup>

دولت جمهوری آذربایجان هر چند در سال‌های اخیر نگران گسترش طریقت نورجی در کشور است، به علت طرفداران جدی این طریقت در نظام سیاسی کشور، هنوز اقدام

1. www.crisis.group.org, Op.Cit.p.9.

2. Ibid.

۳. رحمت‌الله فلاح، «تقابل الگوی فرهنگی ترکیه با ایران در آسیای مرکزی و قفقاز»، مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، س ۹، ش ۲۳ و ۳۴، بهار و تابستان ۱۳۸۷، ص ۱۰۴.

جدی برای جلوگیری از گسترش آن انجام نداده است.<sup>۱</sup>

هدف اصلی جنبش نورجی به رهبری فتح‌الله گولن، ایجاد جامعه اسلامی متعهد و در عین حال، برخوردار از علم و معرفت، فناوری جدید و مترقی است تا دوران تفوق جهان غرب بر جهان اسلام به سرآید. امروز نام فتح‌الله گولن با اصطلاح اسلام روشنفکر یا معتدل ترک خورده است؛ زیرا وی و هوادارانش، جنبشی دینی-مدنی تأسیس کرده‌اند که مدرنیته را با دین‌ورزی، ناسیونالیسم، تسامح و مردم‌سالاری پیوند داده و اسلام، ناسیونالیسم و آزادی خواهی را در کانون واحد گرد آورده است.<sup>۲</sup>

ناگفته نماند مذهب ترکیه سنی حنفی است، ولی الگوی مذهبی ترکیه با شیعه مخالفتی ندارد، لذا فضا برای فعالیت و نفوذ بین شیعیان هم فراهم می‌شود.

#### ۷. نهادهای مذهبی دولتی

تقریباً سه نهاد رسمی دولتی در امور دینی-مذهبی جمهوری آذربایجان فعال و در محیط سیاسی جریان‌های اسلامی آذربایجان تأثیر گذارند. «اداره روحانیت مسلمان قفقاز» که از سال ۱۹۸۰ در باکو به رهبری شیخ‌الاسلام الله‌شکور پاشازاده اداره می‌شود، قدیمی‌ترین نهاد دینی آذربایجان و منطقه محسوب می‌شود. فلسفه وجودی این اداره که در دوره تزارهای روس بنای اصلی آن نهاده شد، کنترل گرایش‌های دینی مسلمانان و دولتی کردن دین اسلام توسط روس‌ها بود و در دوره اتحاد جماهیر شوروی نیز به رغم ماهیت الحادی و آنته‌ئیستی نظام کمونیستی، این اداره پابرجا بود. مقامات دینی و مسئولان اداره روحانیت با وجود همکاری و هماهنگی مداوم با حکومت

۱. طبق نوشته روزنامه/کسپرس باکو (۳۱ اکتبر ۲۰۰۷)، در پارلمان جمهوری آذربایجان (دوره سوم) ریعت اصلاناف، صمد سیداف، نظامی جعفراف، فاضل غضنفر اوغلو و... در نهاد ریاست جمهوری، ایلنور اصلاناف (دستیار رامیز مهدی‌اف، مدیر اجرایی دفتر ریاست جمهوری)، علی حسن‌اف، مدیر شعبه اجتماعی-سیاسی نهاد ریاست جمهوری و... از طرفداران و هواداران جماعت نورجی به رهبری گولن هستند.

۲. برای اطلاع بیشتر رک: رحمت‌الله فلاح، «ماهیت‌شناسی جنبش اسلامی فتح‌الله گولن در ترکیه»، مطالعات راهبردی جهان اسلام، س ۱۱، ش ۴۳، پاییز ۱۳۸۹، ص ۲۲۲-۲۰۶.

تحولات دموکراتیک محور در خاورمیانه و بسترهایی که برای قدرت‌نمایی جریان‌های اسلام‌گرا در این منطقه به وجود آمده است، در درازمدت تأثیر خود را بر نیروهای اسلام‌گرا خواهد گذاشت. در این میان، جریان‌های سنی اسلام‌گرا در آذربایجان به علت داشتن رویکرد رادیکال و تغذیه شدن از سوی جریان‌های افراطی و بنیادگرای منطقه جایگاه خود را از دست خواهند داد، اما جریان‌های شیعی به علت انعطاف‌پذیری در فضای سیاسی آذربایجان بیشتر نمود پیدا خواهند کرد





هر چند جریان‌های اسلامی سنی مذهب به علت تأثیرپذیری از محیط سیاسی - امنیتی و فرهنگی قفقاز شمالی، همچنین با هدایت برخی کشورهای عربی خاورمیانه وارد فاز رادیکالیسم شده‌اند، ولی جریان‌های اسلامی شیعی از اوایل شکل‌گیری با پرهیز از فضای بنیادگرایی، مبارزه خود را در فضای سیاسی موسوم ادامه داده‌اند و در حال حاضر، نیروی اجتماعی مؤثر در فضای سیاسی آذربایجان محسوب می‌شوند.

در مواقعی که کنترل‌های دولتی کم شده است، رفتارهایی مستقل و مبتنی بر احیای دینی از خود بروز داده‌اند. این رویکرد چه در دوران قبل از استقلال آذربایجان و چه بعد از آن به چشم می‌خورد. البته روی هم رفته اداره روحانیت بیشتر در راستای منافع دولت حرکت می‌کند و با جریان‌های سیاسی شیعه، چندان رابطه خوبی ندارد و آنها را به سوءاستفاده از اعتقادات دینی مردم متهم می‌کند. به همین علت، مشروعیت و مقبولیت این نهاد دینی دولتی به مراتب پایین آمده است.

نهاد دولتی دیگر «کمیته دولتی امور تشکل‌های دینی» است. دولت آذربایجان در سال ۲۰۰۱

مؤسسه‌ای سکولار به نام «کمیته دولتی رسیدگی به سازمان‌های دینی» را با هدف تعقیب و تنظیم مؤثرتر فعالیت‌های دینی در آذربایجان تأسیس کرد. وظیفه سازمان، ثبت رسمی و نظارت بر تشکیلات دینی (مانند مساجد و کلیساها)، گروه‌های دینی و سازمان‌های دینی غیر دولتی و فعالیت‌های آنها در آذربایجان است. این کمیته در ابتدای کار به فاصله اندکی، حدود ۲ هزار مسجد، کلیسا و مؤسسه سازمان دینی را ثبت کرد.<sup>۱</sup> همچنین ابتدای سال ۲۰۰۶ نزدیک به ۳۴۱ سازمان دینی به وسیله کمیته مذکور ثبت شد که ۲۹ گروه از آنها گرایش غیر اسلامی داشتند. کمیته دولتی رسیدگی به امور مؤسسات و سازمان‌های دینی در زمینه کنترل چاپ و نشر متون دینی و تعقیب ورود و توزیع متون دینی اختیاراتی گسترده دارد. علاوه بر این، کمیته مذکور می‌تواند فعالیت‌های گروه‌های دینی نقض قانون را به حال تعلیق درآورد. بعضی از مواد و شروط قانونی و تبصره، دولت را قادر می‌سازد گروه‌های مذهبی را تحت نظم درآورد. از جمله می‌توان به قانون ثبت سازمان‌های دینی اشاره کرد که موجب نظم در برنامه گروه‌های دینی، شامل مراسم عبادی فرقه‌ها و کنترل کمیته دولتی رسیدگی بر امور مؤسسات دینی بر آنها می‌شود.

نهاد دولتی سوم که در امور دینی دخالت می‌کند، وزارت امنیت ملی است. مسئله

۱. سوانته کورنل، همان، ص ۸۱.



کنترل دولت بر امور حاد و بحرانی مرتبط با دین، تأسیس تشکیلات سومی به نام «وزارت امنیت ملی» را ضروری ساخت. این وزارتخانه نظارت مساجد، سازمان‌های دینی و خانه‌های تیمی گروه‌های اسلامی زیرزمینی را بر عهده دارد. اعمال فشار و کنترل بر مساجد، گروه‌های اسلامی و زیرزمینی را مجبور کرده است ملاقات‌های خود را سری و در خانه‌های شخصی انجام دهند. ورود نیروهای قانونی دولت به خانه‌ها با هدف جنگیدن با افراطی‌گری اسلامی از مواردی بود که گزارشگر حقوق بشر سازمان ملل در زمینه آزادی عقیدتی (مارس ۲۰۰۶) به آن توجه نشان داد.<sup>۱</sup>

#### ۸. مؤسسه‌های بین‌المللی امداد رسانی به آوارگان جنگ قره‌باغ

با توجه به اینکه در نتیجه اشغال ۲۰ درصد از اراضی آذربایجان توسط ارمنستان حدود یک میلیون نفر از شهروندان آذری آواره شده‌اند، بنیادهای بین‌المللی فرصتی یافتند که در کنار حمایت از این افراد ایدئولوژی خود را نیز نفوذ دهند. برای نمونه، بنیاد توسعه میراث اسلامی کویت (IIDS) که حامی رادیکالیسم اسلامی سلفی است، از سال ۲۰۰۱ به علت ارتباط اعضایش با القاعده پاکستان و افغانستان حق فعالیت ندارد.<sup>۲</sup> فعالیت بنیاد خیریه اسلام عربستان (BIXT) نیز در سال ۲۰۰۶ به علت اقدامات تروریستی اعضای مرتبط با این بنیاد متوقف شد، ولی هنوز شاخه کویتی این بنیاد به اسم «کمیته مسلمانان آسیا شاخه باکو» به فعالیت کمک‌رسانی خود ادامه می‌دهد.<sup>۳</sup> همچنین «بنیاد جوانان آذربایجان برای قره‌باغ» از طرف ترکیه، و... در محیط سیاسی جریان‌های اسلام‌گرای شیعی به صورت نیروهایی مؤثرند.

#### چشم‌انداز و روندشناسی

- تحولات دموکراتیک‌محور در خاورمیانه و بستریهایی که برای قدرت‌نمایی جریان‌های اسلام‌گرا در این منطقه به وجود آمده است، در درازمدت تأثیر خود را بر نیروهای اسلام‌گرا خواهد گذاشت. در این میان، جریان‌های سنی اسلام‌گرا در آذربایجان به علت داشتن رویکرد رادیکال و تغذیه شدن از سوی جریان‌های افراطی و بنیادگرای منطقه جایگاه خود را از دست خواهند داد، اما جریان‌های شیعی به علت انعطاف‌پذیری در فضای سیاسی آذربایجان بیشتر نمود پیدا خواهند کرد.

- همراهی دنیای غرب و مسیحی (به خصوص امریکا، روسیه و اتحادیه اروپا) با

۱. همان، ص ۸۴.

2. [www.un.org/sc/committees/1267/cansolist.shtml](http://www.un.org/sc/committees/1267/cansolist.shtml)

3. [www.iico.org/home-page-eng/index-eng](http://www.iico.org/home-page-eng/index-eng)

ارمنستان و بی توجهی به اشغال ۲۰ درصد از اراضی آذربایجان توسط ارمنستان، شرایط را برای نیروهای ضد غرب، به خصوص ضد امریکایی مطلوب خواهد کرد. روندها نشان می‌دهد که جو ضد امریکایی در آذربایجان در مقایسه با سال‌های اول استقلال به مراتب بیشتر شده است و انتظار می‌رود تداوم بحران قره‌باغ، رویکرد آذربایجان را نسبت به سازمان کنفرانس اسلامی و جهان اسلام جدی‌تر کند که نتیجه آن ایجاد فرصتی جدید برای جریان‌های اسلام‌گراست.<sup>۱</sup>

- با گسترش فعالیت جریان‌های اسلام‌گرای شیعی طرفدار ایران، همکاری امنیتی دولت آذربایجان با ترکیه، امریکا، روسیه و اسرائیل برای کنترل آنها بیشتر خواهد شد؛ چون همه این کشورها نگرانی مشترکی با دولت آذربایجان در زمینه رشد اسلام‌گرایی شیعی طرفدار ایران دارند.

- با گسترش فعالیت اسلام‌گرای شیعی، دولت آذربایجان تلاش خواهد کرد فعالیت‌های فرهنگی ایران را در این کشور بیشتر زیر نظر بگیرد و حتی محدودیت‌هایی را اعمال کند. از طرف دیگر، برای کنترل رفتار ایران در حوزه داخلی خود، از عامل قومی آذری‌های ایران بهره‌مند خواهد شد. به احتمال زیاد در صورت فشارهای رسانه‌ای ایران علیه دولت آذربایجان (از جمله از طریق شبکه رادیو و تلویزیون سحر و رادیو برون مرزی تبریز)، دولت باکو نیز اقدام به تأسیس یا تقویت رسانه‌های ماهواره‌ای قوم‌گرای ترک‌های آذری ایران می‌کند و برای تخریب تصویر ایران در افکار عمومی ملت خویش، در مورد روابط ایران با ارمنستان بیشتر مانور خواهد داد.

- روندها بیانگر آن است که جریان‌های اسلام‌گرای شیعی در آینده در دو طیف نمود خواهند داشت: طیف سنتی (حزب اسلام) همواره در کنار جمهوری اسلامی ایران خواهد ماند و آشکارا از مواضع آن حمایت خواهد کرد. ولی طیف نوگرا با درک محیط داخلی و بین‌المللی، سعی خواهد کرد با قرائت روشنفکرانه - لیبرال از اسلام‌گرایی، الگوی بومی خود را ارائه کند. طیف نوگرا تلاش خواهد کرد از تجربه حزب عدالت و توسعه در ترکیه هم بهره‌برد.

- همکاری بین جریان‌های اسلام‌گرای شیعی با احزاب و نیروهای غرب‌گرای مخالف حزب حاکم؛ با توجه به اینکه احزاب مخالف دولت (از جمله حزب مساوات، جبهه خلق و...) بر اثر محدودیت‌ها و تخریب‌های فوق‌العاده حزب حاکم تضعیف شده‌اند و عملاً

۱. باید یادآور شد که در رأی‌گیری مجمع عمومی سازمان ملل اکثر کشورهای اسلامی (۳۹ کشور) به نفع آذربایجان در موضوع قره‌باغ و حفظ تمامیت ارضی آذربایجان رأی دادند؛ در حالی که امریکا، روسیه و فرانسه در رأس گروه مینسک رأی ممتنع دادند.

در فضای سیاسی کشور قدرت مانور خود را از دست داده‌اند، به همکاری با جریان‌های اسلامی گرایش یافته‌اند. انتظار می‌رود در سال‌های آینده سطحی از هم‌گرایی بین جریان‌های اسلام‌گرای شیعی و احزاب مخالف دولت به وجود بیاید. در این همکاری و هم‌گرایی‌ها، طیف نوگرای جریان‌های اسلام‌گرا در اولویت خواهد بود.

- تحول در اداره روحانیت قفقاز؛ بارشد اسلام‌گرایی در کشور، دولت تلاش خواهد کرد نقش فعلی اداره روحانیت قفقاز را در ظاهر متحول کند. این نهاد به عنوان نهادی وابسته به دولت شناخته می‌شود؛ به همین علت، مشروعیت و مقبولیت خود را بین دینداران از دست داده است. دولت آذربایجان برای احیای مشروعیت این نهاد، ضمن تقویت غیر رسمی این نهاد، اجازه اظهار نظرهای مستقل به آن خواهد داد تا دوباره توجه اکثریت جامعه را معطوف به آن کند.

### سرانجام سخن

مذهب تشیع در جمهوری آذربایجان هم‌زمان با ایران در دوره صفویه گسترش یافت و به صورت دین اکثریت مردم درآمد. شیعیان آذربایجان از دیرباز به حفظ شعائر مذهبی و انجام فعالیت‌های دینی اهتمام کرده‌اند. در دوره‌های حاکمیت تزارها و شوروی این تلاش‌ها به شکل مبارزات دینی بروز می‌نمود که اغلب به دلیل ماهیت استبدادی نظام‌های غیر مسلمان حاکم پس از چند سال و با کشتارهای وسیع و برنامه‌ریزی شده علما و دینداران خاموش می‌شد.

این جمهوری که به لحاظ جمعیت، دومین کشور شیعه جهان محسوب می‌شود، هفتاد سال زیر سلطه نظام کمونیستی شوروی قرار داشت و پس از استقلال نیز تحت حاکمیت دولتی سکولار اداره می‌شود. دین اسلام به خصوص مذهب تشیع، همواره عنصر مهم هویتی به حساب می‌آید؛ یعنی در ظرف هویتی و معرفتی جامعه مسلمان آذربایجان اسلام نقش محوری و اساسی داشته است؛ طوری که امروزه بخشی از مردم آذربایجان در معرفی کیستی و هویت خویش مسلمان - ترک آذری را هم‌زمان به کار می‌برند. این امر نشانگر آن است که سیاست‌های فرهنگی کمونیستی و الحادی، نزدیک به یک قرن نه اینکه در خلق هویت غیر اسلامی موفق نشده بلکه موجب گردیده اسلام‌گرایی و جریان‌های اسلامی در سپهر عمومی آذربایجان به صورت یک نیرو و کنش‌گر ایدئولوژیک ظاهر شود.

هر چند جریان‌های اسلامی سنی مذهب به علت تأثیر پذیری از محیط سیاسی -





امنیتی و فرهنگی قفقاز شمالی، همچنین با هدایت برخی کشورهای عربی خاورمیانه وارد فاز رادیکالیسم شده‌اند، ولی جریان‌های اسلامی شیعی از اوایل شکل‌گیری با پرهیز از فضای بنیادگرایی، مبارزه خود را در فضای سیاسی موسوم ادامه داده‌اند و در حال حاضر، نیروی اجتماعی مؤثر در فضای سیاسی آذربایجان محسوب می‌شوند.

به هر حال جمهوری آذربایجان گرانیگاه قفقاز به شمار می‌رود؛ این کشور شیعی دارای مشترکات فراوان با جمهوری اسلامی ایران است. درک تحولات هویتی و فرهنگی در این کشور از ملزومات راهبردی کشوری مثل ایران که در جهان اسلام پیام و رسالتی دارد می‌باشد؛ البته به شرطی که بتوان حساسیت‌های امنیتی و هویتی این کشور را شناخت و با راهبردهای فرهنگی و سیاسی ایران هم‌راستایی به وجود آورد.